

تحلیل داستان سارای از دیدگاه نشانه‌شناسی بارت

علی کریمی فیروزجایی* / الهام اکبری**

دریافت مقاله:

۱۳۹۶/۰۵/۰۵

پذیرش:

۱۳۹۶/۰۷/۲۹

چکیده

داستان سارای یکی از افسانه‌های معروف آذربایجان است که در آن قهرمان داستان با تکیه بر نیروی عشق، تدبیر شجاعانه‌ای اندیشید که همین اراده او را در زمره اسطوره‌های معروف آذربایجان قرار داد. اسطوره‌شناسی بخشی از دانش گسترده نشانه‌شناسی است که هدف آن یافتن اندیشه نهفته در اساطیر و شالوده فرهنگ یعنی باورها، ارزش‌ها و روحيات هر قوم است. پژوهش حاضر با استفاده از نظریه نشانه‌شناسی بارت (۱۳۹۲) و شیوه تحلیلی - استنباطی، اسطوره سارای را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و به نتایجی دست یافته است. براساس یافته‌های پژوهش، تأمل در عناصر اسطوره‌ای نهفته در لایه‌های زیرین این داستان همانند وفاداری، شهامت، پاکدامنی و آزادگی قهرمان آنکه در پایان داستان با سپردن جسم خویش به آرپاچای خود را جاودانه کرد، راز ماندگاری اسطوره سارای بوده و مبین فرهنگ و روحيات مردم این منطقه است و نشان می‌دهد که چطور برخی باورها در داستان تقویت شده و متعالی جلوه داده می‌شوند و چگونه برخی باورها تضعیف می‌گردند.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی، اسطوره، بارت، داستان سارای، فرهنگ.

مقدمه

داستان *سارای* یا سارا یکی از افسانه‌های فولکلور در سرزمین آذربایجان است و بخشی از ادبیات شفاهی این خطه به شماره می‌رود که در میان آذری‌ها (چه آذری‌های ایران و چه آذری‌های جمهوری آذربایجان) بسیار مشهور است. این افسانه، داستان کوتاهی است که سرنوشت غم‌انگیز دختری زیباروی را به تصویر می‌کشد. در این مقاله سعی بر این است که علاوه بر بازخوانی افسانه‌ای فولکلور از منطقه آذربایجان به منظور زنده نگه داشتن افسانه‌های کهن ایران، با تکیه بر نظریه نشانه‌شناسی بارت این افسانه تحلیل گردد و چرایی تبدیل سارای به یک اسطوره مشخص گردد.

میرچا الیاده، دین‌شناس رومانیایی، افسانه را نقل‌کننده سرگذشت قدسی و راوی واقعه‌ای می‌داند که در زمان نخستین، زمان شگرف بدایت همه چیز رخ داده است. (الیاده، ۱۹۶۳: ۵) به بیان دیگر، افسانه حکایت می‌کند که چگونه به برکت کارهای نمایان و برجسته موجودات فراطبیعی، واقعیتی، چه کل واقعیت، یا تنها جزئی از آن پا به عرصه وجود نهاده است. بنابراین، افسانه همیشه متضمن روایت یک خلقت است، یعنی می‌گوید چگونه چیزی پدید آمده و هستی خود را آغاز کرده است. افسانه فقط از چیزی که به راستی روی داده و به تمامی پدیدار گشته، سخن می‌گوید. شخصیت‌های افسانه موجودات فراطبیعی‌اند و تنها به دلیل کارهایی که در زمان سرآغاز همه چیز انجام داده‌اند، شهرت دارند.

اساطیر کار خلاق آنان را بازمی‌نمایانند و قداست یا فراطبیعی بودن اعمالشان را عیان می‌سازند.

۱. نشانه‌شناسی

واژه نشانه‌شناسی^۱ را نخستین بار فردینان دوسوسور در مطالعات زبان‌شناختی خود ایجاد کرد و معتقد بود که این علم به تحقیق درباره نشانه^۲ در هر جایی که وجود داشته باشد، یعنی در عمل به کل فرهنگ بشری می‌پردازد. رولان بارت در مقدمه خود با استفاده از دیدگاه امیل دورکیم می‌گوید که نشانه‌شناسی باید به تحقیق درباره «نمودگارهای جمعی»^۳ اقدام کند. بارت که جزء نخستین بنیان‌گذاران این علم است، بنیاد تحقیقات خود را بر تقسیم‌بندی دوگانه سوسوری میان دال^۴ و مدلول^۵ استوار ساخت. سوسور جمع این دو را نشانه نامید. فی‌المثل زمانی که ما می‌گوییم یا می‌نویسیم «سگ»، در واقع یا آوایی از دهان خارج می‌کنیم یا نقشی بر کاغذ می‌زنیم، اما در عین حال ما به تصویر ذهنی موجود چهارپاست و پای پشمالویی اشاره می‌کنیم. سوسور آن صدا یا نقش را دال و آن تصویر ذهنی را مدلول می‌نامد و جمع این دو را که در واقع پشت و روی یک سکه‌اند، نشانه می‌خواند. آنچه سوسور بر آن پافشاری می‌کند، اختیاری بودن رابطه دال و مدلول است. هیچ حکم و ضرورت طبیعی وجود ندارد که ما برای نامیدن

1. semiology
2. sign
3. collective representations
4. signifier
5. signified

اسطوره، بخشی از نظام نشانه‌شناسانه مرتبه دومی است که با استفاده از نشانه‌های زبانی یا غیرزبانی مرتبه اول، تاریخ کاملاً جدیدی خلق می‌کند و اسطوره از این طریق به جهان پیوند می‌خورد. رمزگشایی و قرائت اسطوره پویا بوده و در متن تاریخی صورت می‌گیرد که این خود مبین گذر از نشانه‌شناسی به فرهنگ و ایدئولوژی است.

رولان بارت در *S/Z*، داستان سارازین *بالزاک* را در ۵۶۱ واحد معنایی^۸، ۴۸ پی‌رفت کنشی^۹ و ۹۳ یادداشت پراکنده^{۱۰} بررسی می‌کند و مشخصات معنایی و زبانی آنها در پنج دسته جای می‌دهد:

۱. رمزگان پروآیرتیک^{۱۱}
۲. رمزگان هرمنوتیک^{۱۲}
۳. رمزگان معناشناسانه^{۱۳}
۴. رمزگان فرهنگی^{۱۴}
۵. رمزگان نمادین^{۱۵}

رمزگان پروآیرتیکی، حرکات پی‌رفت‌های داستانی را دربرمی‌گیرد. این رمزگان را می‌توان معادل همان سطح کنش‌ها در درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها دانست. در ذیل رمزگان

آن موجود از واژه سگ استفاده کنیم. رابطه میان دال و مدلول دلخواه است. جان استوری (۱۹۹۳) از همین مثال ساده استفاده می‌کند تا الگوی نشانه‌شناسانه بارت را که با زبانی دشوار بیان شده است، روشن سازد. سگ در مقام دال، سگ در مقام مدلول را موجب می‌شود. بارت می‌گوید که این امر مبین دلالت اولیه^۶ است. اینک نشانه سگ که در این فرمولاسیون حاصل آمده است، خود می‌تواند به سگ در مقام دال در دلالت ثانویه^۷ بدل شود و در نتیجه سگ در مقام مدلول در مرتبه دلالت ثانویه را موجب شود؛ یعنی همان انسان عصبی و پرخاشگری که با همه سر ناسازگاری دارد. بارت در کتاب بعدی خود عناصر نشانه‌شناختی واژه (denotation) را به جای دلالت اولیه و واژه (connotation) را به جای دلالت ثانویه به کار می‌برد. بارت مدعی است که در سطح دلالت ثانویه است که اسطوره به وجود می‌آید. بنابراین، اسطوره «نظام نشانه-شناسانه مرتبه دوم» است.

رولان بارت تحقیقات خود را بر تقسیم‌بندی دوگانه سوسور میان دال و مدلول پایه‌گذاری کرد، ولی در نظام نشانه‌شناسانه وی، دال به «معنا-شکل» و مدلول به «مفهوم» تغییر عنوان پیدا کرد و به نشانه، دلالت اطلاق می‌گردد. بنابراین، بارت فرمول مشهور سوسور یعنی «دال/مدلول/نشانه» را به فرمول «معنا/شکل/مفهوم/دلالت» تبدیل می‌کند. از نظر بارت اسطوره در سطح دلالت ثانویه به وجود آمده و بنابراین نظام نشانه‌شناسانه وی مرتبه دومی است. در واقع،

-
6. primary signification
 7. secondary signification
 8. lexia
 9. sequence of action
 10. divagation
 11. proairetic code
 12. hermeneutic code
 13. semantic code
 14. cultural code
 15. symbolic code

هرمنوتیکی، حالت‌های صوری مختلفی را که به وسیله یک معما می‌تواند تشخیص، پیشنهاد، تنظیم و در تعلیق قرار داده شود و در نهایت کشف شود، قرار می‌دهیم. این حالت‌ها همیشه اتفاق نمی‌افتند، آنها اغلب تکرار می‌شوند و در هیچ نظم معینی پدیدار نمی‌شوند.

رمزگان معناشناختی، شامل دال‌هایی است که به صورت پراکنده در متن موجود هستند و به شخصیت، مکان یا چیزی مربوط می‌شوند. روان‌شناسی شخصیت‌ها نیز در این رمزگان جای می‌گیرد. رمزگان فرهنگی، زمینه ارجاع متن به بیرون است و به شناخت نظام‌های دانش عمومی، پزشکی، هنر، سیاست و غیره مربوط می‌شود. رمزگان نمادین، محل ترسیم جایگاه متن و مخاطب آن است که در داستان واقع‌گرایانه بر اصول روان‌شناسیک متکی است. نظام‌های تقابلی نیز در این رمزگان امکان بروز و گسترش می‌یابند. رمزگان پروآپرتیکی و هرمنوتیکی، باعث جلو رفتن خط روایی داستان هستند و سه رمزگان دیگر، سایر اطلاعات و معانی ضمنی را فراهم می‌سازند.

۲. اسطوره

از اسطوره تعاریف متعدد و متنوعی وجود دارد. آن دسته از کسانی که چه در گذشته و چه امروزه به پژوهش و واکاوی و شناخت اسطوره‌ها پرداخته‌اند، تاکنون برای اسطوره تعریف مشخص، دقیق و پذیرفتنی برای همگان نیافته‌اند، بلکه هریک به میل و اشتیاق و وابستگی‌های اجتماعی خویش آن را تعریف کرده‌اند. گاهی در

تعریف متخصصان از اسطوره اشکالاتی دیده می‌شود و علت آن این است که آنها به اسطوره از سر اعتقاد و ایمان می‌نگرند. آنان دنبال این اندیشه اشتروس که «برای درک اندیشه وحشی باید با او و مثل او زندگی کرد» نه تنها به ساختار، بلکه به عملکرد جادویی اسطوره در جامعه و در واقع، به اعجاز آن در ایجاد همبستگی قومی و عقیده‌ای ایمان می‌آورند و به همین دلیل برای آنها اسطوره یا نهاد زنده بسیار مهم‌تر از نهادهای کهن است.

در مقابل عده دیگری هستند که به افسانه صرفاً از سر انکار می‌نگرند. این گروه افسانه را یکی از الگوهای تاریخی یا سازواره‌ای کهنه و از کار افتاده می‌بینند که پیشرفت بشر آن را از رده خارج کرده است. در نظر یونگ و فروید افسانه‌شناسی دانشی است که از فرافکنی نمادین تجربیات روانی نوع بشر به وجود آمده است.

افسانه، قصه‌ای است با خصلتی خاص، یعنی نقل روایتی که در آن خدایان یک یا چند نقش اساسی دارند. افسانه‌شناسی علمی است که کارش طبقه‌بندی و بررسی مواد و مصالح افسانه‌شناختی بر حسب روش تحلیل و واریسی دقیقی که در همه دیگر علوم تاریخی معمول است، می‌باشد. به عبارت دیگر، افسانه تلاشی برای بیان واقعیت‌های پیرامونی با امور فراطبیعی است. انسان در تبیین پدیده‌هایی که به علتشان واقف نبوده به تعبیرات فراطبیعی روی آورده و این زمانی است که هنوز دانش بشری توجیه‌کننده حوادث پیرامونی‌اش نیست. به عبارت دیگر، انسان در تلاش ایجاد صلحی روحی میان طبیعت

چیز، رخ داده است (انوشه، ۱۳۷۶: ۹۱/۲).
 اسطوره قصه‌گونه‌ای است که طی توالی نسل‌های
 انسانی در افواه نقل می‌شود. منشأ پیدایش طبیعت
 و همچنین آیین‌ها و عقاید موروث را به نحوی
 ساده‌لوحانه تبیین می‌کند و دخالت قوای مافوق
 طبیعت را در امور طبیعی و انسانی همراه با
 اسباب پیدایش دگرگونی‌هایی که بر اثر این
 دخالت‌ها در احوال حاصل می‌آید، بیان می‌کند
 (واحد دوست، ۱۳۸۱: ۳۴). اسطوره‌ها همواره در
 تاریخ بشر جهان، آفرینش آن و نیروهای خیر و
 شر را توجیه کرده‌اند و شاید براساس همین
 خصیصه است که از نظر میرچا الیاده، اسطوره-
 شناس بزرگ امریکایی-رومانیایی، مهم‌ترین
 ویژگی اسطوره‌ها «الگو بودن» و «نمادین بودن»
 آنهاست که همواره در رفتار، گفتار، قصه‌ها و
 سایر آثار ادبی مورد تقلید قرار گرفته‌اند. (الیاده،
 ۱۳۶۲: ۱۴۵-۱۴۴) در تحلیل اسطوره‌هایی که به
 حوزه ادبیات ورود پیدا کرده‌اند، هدف از بررسی
 نشانه‌شناختی پی بردن به لایه‌های زیرین متن و
 کشف معناهای نهفته در آن است. جاناتان کالر
 چنین نشانه‌شناسی را نوعی نظریه خواندن قلمداد
 می‌کند و معتقد است که شاید هدف آن خود
 آثار ادبی نباشد، بلکه فهم‌پذیری آنها باشد؛ یعنی
 تلاش نشانه‌شناسی برای کشف چگونگی معنادار
 شدن این متن‌ها و شیوه‌هایی که به واسطه آن
 خوانندگان به متن معنی می‌بخشند. (کالر، ۱۳۸۸:
 ۱۰۱)

از منظر روایت، بین قصه و اسطوره ارتباطی
 بنیادی قابل مشاهده و شناسایی است. اساطیر
 روایاتی است که ریشه در طبیعت یا ذهن انسان

و خودش افسانه‌ها را خلق کرده است. از دیدگاه
 انسان به اصطلاح ابتدایی، افسانه تاریخ است و از
 دیدگاه انسان مدرن، افسانه و تاریخ دو چیز
 متمایز و کاملاً متفاوت‌اند.

با آنچه دانشمندان افسانه‌شناس به آن
 پرداخته‌اند، به تعریفی کامل ولی چندوجهی از
 افسانه می‌رسیم و می‌توان از لوی استروس نقل
 قول کرد که: «... ارزش افسانه‌ای داستان، حتی از
 خلاً بدترین ترجمه‌ها و برگردان‌ها نیز حفظ
 می‌شود. ذات و مفهوم افسانه نه در سبک و سیاق
 آن و نه در موسیقی کلامی یا ترکیبی است که با
 اجزا ایجاد می‌کند، بلکه ارزش افسانه در قصه‌ای
 است که می‌گوید...» و از این‌رو، افسانه‌ها با همه
 تفاوت در جزئیات، ساختار و ویژگی‌های شبیه
 به هم دارند:

۱. رویدادی که در زمان‌های اولیه اتفاق
 می‌افتد.
۲. سامانی متفاوت با واقعیت‌های تجربی
 دارد.
۳. دغدغه‌ها و شناخت انسان اولیه از جهان
 است.
۴. سرگذشت و زندگی خدایان و ابرانسان‌ها
 است.
۵. در حافظه مردم می‌ماند و از محدوده
 دنیای واقعی فراتر می‌رود.
۶. دنیایی آرمانی برساخته از واقعیت‌ها را
 نشان می‌دهد.

اسطوره در اصطلاح، نقل‌کننده سرگذشتی
 قدسی و مینوی است و واقعه‌ای را روایت می‌کند
 که در زمان نخستین، زمان شگرف بدایت هر

بشر است که بیانگر آرزوها و آمال آنان برای نیل به کمال مطلوب یا مدینه فاضله می‌باشد. داستان *سارای* دارای برخی بن‌مایه‌ها و عناصر اساطیری، نشانه‌شناختی و حماسی است که در بخش بحث و بررسی به برخی از آنها اشاره می‌شود.

بحث و بررسی

۱. خلاصه داستان

«*سارای* دختر مردی به نام سلطان کیشی در دشت مغان بود که هنگام تولد مادرش را از دست داده بود و سلطان کیشی زن دیگری نگرفته و زندگی‌اش را وقف تربیت دخترش کرده بود. این دختر زیباروی نامزد پسری به نام خان‌چوپان بود. به احتمال زیاد خان‌چوپان لقب وی بوده است. چون در آن زمان به سرگروه چوپان‌های یک منطقه که به صورت دسته‌جمعی گوسفندان مردم آن منطقه را در بیلاق و قشلاق می‌چرانند و روزها از خانه و کاشانه خود دور می‌مانند، خان‌چوپان گفته می‌شد و این واژه در افسانه کهن دده قورقود نیز آمده است. *سارای* نامزدش را راهی بیلاق کرده و در بین خانواده‌اش منتظر بازگشت وی بود. در یکی از روزها خان یکی از مناطق اطراف در حین گردش و شکار به منطقه زندگی خانواده *سارای* نزدیک می‌شود و با دیدن *سارای*، عاشق او می‌شود. خان بعد از بازگشت، گروهی را برای خواستگاری می‌فرستد که *سارای* و خانواده‌اش به دلیل پایبندی به عهد و پیمانی که با خان‌چوپان بسته بودند، به آنها جواب رد می‌دهند. خان از این جواب ناراحت می‌شود و

بدوی دارد و برآمده از رابطه دوسویه این دو است و قصه‌ها نیز روایاتی است از تعامل انسان و طبیعت و گاه بیانگر نخستین پندارها و دریافت‌های انسان از کیهان و رخدادهای طبیعی است. بنابراین، هر دو نوعی تفسیر انسان باستانی از هستی محسوب می‌شوند، هر چند اسطوره را روایتی مقدس دانسته‌اند که در زمان مقدس آغازین روی داده است (الیاده، ۱۳۷۶: ۲۳) و قصه لزوماً دارای چنین پیرنگ مقدسی نیست و بیشتر ناظر بر جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی است. در رابطه با خاستگاه و باورداشت نیز میان این دو ارتباط وجود دارد. قصه بر اساس باورهای مردم شکل گرفته است و خاستگاه آن بیرون از ذهن و روان انسان نیست. اساطیر نیز باورهای آغازین و نخستین تراوشات ذهنی و انتزاعی بشر است که به تدریج جایگاه ویژه‌ای یافته است. ابهام در زمان و مکان از دیگر نقاط اشتراک قصه و اسطوره است. این ویژگی درباره تمامی اساطیر مشترک است، اما در ارتباط با قصه‌ها این‌گونه نیست؛ تنها قصه‌هایی که دارای بن‌مایه‌های اساطیری - حماسی - دینی هستند، این ویژگی را دارند. بنا بر باور برخی پژوهشگران قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه بازمانده اساطیر کهن هستند و نمی‌توان برای پیدایش آنها زمان مشخصی را در نظر گرفت. (باستید، ۱۳۷۰: ۴۲)

اسطوره‌ها عینی‌شده تجربه اجتماعی بشر است که در شکل آرزوهای جمعی یک قوم یا ملت ظاهر می‌شود (کاسیرر، ۱۳۶۲: ۱۵). بنابراین، می‌توان گفت که قصه‌های عامیانه نیز شکل تجسم‌یافته تجارب اجتماعی و اشتراکی

تبدیل به اسطوره وفاداری و پاکدامنی دختران آذربایجان می‌نماید. «سیل‌ها سارا را بردند» یکی از اشعار فولکلور و معروف آذربایجانی می‌باشد که این داستان را نقل می‌کند:

سیل‌ها سارا را بردند

بروید و به خان‌چوپان بگویید
که امسال به مغان نیاید
اگر بیاید به خون ناحق فرو می‌رود
سیل‌ها سارا را بردند
یک فرزند چشم‌شعلا را
رودخانه آریا عمیق نیست
آب روانش سرد نیست
عروسی مانند سارا وجود ندارد
سیل‌ها سارا را بردند
یک فرزند چشم‌شعلا را
آریا چای گذشت و طغیان کرد
سیل سارا را قاپید و فرار کرد
چشم‌هر بیننده‌ای اشکالود است
قالی بیاور و در اتاق پهن کن.
جای سارا خالی شد
دست چوپان به نیستی رسید و خالی شد
سیل‌ها سارا را بردند
یک فرزند چشم‌شعلا را

۲. تحلیل نشانه‌شناختی داستان

در الگوی بارت، اسطوره یک نظام نشانه‌شناسانه مرتبه دوم است. اسطوره از دو نظام نشانه‌شناختی تشکیل شده است. نظام مرتبه اول که می‌توان آن را زبان نامید و در واقع نظامی زبان‌شناختی است

با سوارانش به روستای محل سکونت سارای - که اکثر مردان و پسران آنها به بیلاق رفته بودند و جز زنان، پیرمردها و کودکان کسی نبود- حمله می‌کند و در صدد برمی‌آید که سارای را به زور ببرد که اهالی و پدر سارای به رغم کهنلت سن با سواران خان درگیر می‌شوند. سارای که می‌بیند سواران به قصد کشتن پدرش را کتک می‌زنند، رضایت خود را برای عروسی با خان اعلام می‌کند و اصرارهای پدرش که وی را از این کار منع می‌کرد، فایده‌ای ندارد. در بین راه سارای - که با خان و سوارانش به سوی کاخ خان می‌رفت- پیوسته چشم به راه بود که خبر به نامزدش، خان چوپان برسد و او برای نجاتش بیاید، ولی چون از آمدن وی ناامید می‌شود در نزدیکی قصر خان در حاشیه رودخانه و در جایی عمیق با استفاده از فرصت از روی اسب خود را به رودخانه می‌اندازد و غرق می‌شود. خان و سوارانش هیچ کاری نمی‌توانند بکنند و حتی دستشان به جنازه سارای هم نمی‌رسد. بعد از این واقعه، سلطان کیشی که از ماجرا خبردار می‌شود، به ساحل رودخانه آریا چایی می‌آید و تصنیف‌های حزن-انگیزی را می‌خواند که تا به امروز به عنوان ترانه توسط خوانندگان خوانده می‌شود. خان‌چوپان بعد از خبردار شدن از ماجرا به سرعت خود را به روستا می‌رساند، ولی کار از کار گذشته بود و دستش نه به سارای می‌رسد و نه به خان و سوارانش».

بدین‌سان سارای زیباروی به واسطه قدرت عشق جاودانه می‌گردد و داستانش نسل به نسل در بین مردم آذربایجان نقل می‌گردد و او را

و نظام مرتبه دوم که همان اسطوره است. نظام مرتبه اول نشانه‌ای (ترکیبی از دال و مدلول) را تشکیل می‌دهد که در حکم دال نظام مرتبه دوم است. در ادامه این دال و مدلول آن با یکدیگر ترکیب می‌شوند و نشانه نظام مرتبه دوم را تشکیل می‌دهند.

نشانه‌شناسی از دیدگاه بارت			
نظام مرتبه دوم (نظام اسطوره‌ای)	نظام مرتبه اول (نظام زبانی)		
	مدلول	دال	
در نظام اسطوره‌ای به وفاداری مرد به زن (خدا یکی و همسر هم یکی).	تنها ماندن با هدف تربیت دخترش.	سلطان کیشی زن دیگری نگرفت.	۱
در نظام اسطوره‌ای به پایبندی به عهد و پیمان دلالت دارد.	پایبند بودن سارای به عهد و پیمان با خان‌چوپان.	جواب رد دادن به خواستگاری خان.	۲
حمله در نظام اسطوره‌ای نشانه زیاده‌خواهی خان و افرادش است.	حمله یک گروه به گروه دیگر.	حمله سواران خان به روستای سارای.	۳
در نظام اسطوره‌ای درگیری افراد و کهنسالان برای ممانعت از بردن سارای، نشانه غیرت و ناموس‌پرستی است.	مقاومت مردم در برابر حمله خارجی.	درگیری اهالی و افراد کهنسال با سواران خان.	۴
در نظام اسطوره‌ای رضایت اجباری سارای برای ازدواج با خان نشانه فداکاری و گذشت سارای از خود و زندگی برای نجات جان پدر و اهالی روستا است.	تسلیم شدن سارای وقتی می‌بیند سواران به قصد کشتن پدرش را کتک می‌زنند.	رضایت سارای به ازدواج با خان.	۵
در نظام اسطوره‌ای سارای وقتی از آمدن خان‌چوپان ناامید می‌گردد، با اینکه مرگ امری ناپسند است، در برابر ناپاکی انتخاب می‌گردد که نشانه پاکدامنی، تعهد و عشق سارای به خان‌چوپان است.	ناامیدی از آمدن خان‌چوپان و از بین بردن خودشت	غرق شدن سارای در رودخانه	۶
در نظام اسطوره‌ای بازگشت سریع خان-چوپان به روستا برای نجات سارای نیز نشانه عشق متقابل خان‌چوپان به سارای است که با دیر رسیدن وی به سارای این عشق ناتمام باقی می‌ماند.	خان‌چوپان با هدف نجات سارای از دست سواران خان برمی‌گردد.	بازگشت سریع خان‌چوپان به روستا.	۷

و پدر سارای به رغم کهولت سن با سواران خان درگیر می‌شود».

- ایستادن و مقاومت اولیه سارای در مقابل زیاده‌خواهی خان و عوام‌لش بسیار پررنگ است که این نماد شجاعت و ایستادگی سارای است: «سارای و خانواده‌اش به دلیل پابندی به عهد و پیمانی که با خان‌چوپان بسته بودند، به آنها جواب رد می‌دهند».

- در رویارویی عشق و عقل در داستان که علاقه و عشق سارای به خان‌چوپان و عهدی که با او برای ازدواج بسته است از یک طرف و حفظ جان پدرش از طرف دیگر، که برای حفاظت از جان پدر تسلیم شد و از تمایل قلبی خود گذشت (پیروزی اولیه عقل بر عشق): «سارای که می‌بیند سواران به قصد کشتن پدرش را کتک می‌زنند، رضایت خود را برای عروسی با خان اعلام می‌کند و اصرارهای پدرش که وی را از این کار منع می‌کرد، فایده‌ای ندارد».

- بعد از حرکت سارا به همراه عوامل خان، در تمامی لحظه‌ها در فکر بازگشت خان‌چوپان و امید به رهایی توسط او می‌باشد و بعد از ناامیدی از بازگشت خان‌چوپان در نزدیکی قصر خان خود را به آب می‌اندازد و این نماد وفاداری دختران آذری می‌باشد: «در بین راه سارای - که با خان و سوارانش به سوی کاخ خان می‌رفت - پیوسته چشم به راه بود که خبر به نامزدش، خان‌چوپان برسد و او برای نجاتش بیاید، ولی چون از آمدن وی ناامید می‌شود در نزدیکی قصر خان در حاشیه رودخانه و در جایی عمیق با استفاده از

۳. تحلیل اسطوره‌شناختی داستان

بررسی سطوح زیرین داستان سارای نشان‌دهنده وجود برخی عناصر و خصوصیات اسطوره‌ای است که موجب شده این داستان طی قرن‌های متمادی سینه به سینه نقل گردیده و به عنوان یکی از معروف‌ترین داستان‌های تاریخ آذربایجان تبدیل شود. برخی از این عناصر عبارت‌اند از:

- عشق ناتمام سارای و خان‌چوپان یکی از دلایلی است که این داستان را همانند بسیاری داستان‌های عاشقانه ناتمام، جاودانه می‌نماید: «خان‌چوپان بعد از خبردار شدن از ماجرا به سرعت خود را به روستا می‌رساند، ولی کار از کار گذشته بود و دستش نه به سارای می‌رسد و نه به خان و سوارانش».

- رویارویی ظالم و مظلوم در داستان یکی از ابعاد برجسته اسطوره‌ای است. خان به عنوان سمبل قدرت و زورگویی و سارای و خانواده او نماد مظلومیت هستند. طرفداری از مظلوم همواره در وجود مردم ایران و به خصوص آذربایجان بوده است: «خان از این جواب ناراحت می‌شود و با سوارانش به روستای محل سکونت سارای - که اکثر مردان و پسران آنها به بیلاق رفته بودند و جز زنان، پیرمردها و کودکان کسی نبود - حمله می‌کند...».

- دست‌درازی بیگ به عنوان عامل بیگانه به روستا و خشم جمعی اهالی روستا به این اتفاق که نشانه غیرت و وطن‌دوستی مردم است: «... و در صدد برمی‌آید سارای را به زور ببرد که اهالی

توجه به آب یکی از عناصر اصلی اسطوره‌ای داستان است. به همین دلیل در این قسمت به برخی از ویژگی‌های اسطوره‌ای آب که ریشه در فرهنگ مردم این منطقه دارد پرداخته می‌شود.

سیل‌ها سارا را بردند

بروید و به خان‌چویان بگویید
که امسال به مغان نیاید
اگر بیاید به خون ناحق فرو می‌رود
سیل‌ها سارا را بردند
یک فرزند چشم‌شهرلا را
رودخانه آریا عمیق نیست
آب روانش سرد نیست

آب یکی از عناصر چهارگانه‌ای است که به اعتقاد قدما در آفرینش جهان به کار رفته است. ایرانیان از گذشته‌های دور به نقش آفرینندگی آب معتقد بوده‌اند و آن را عنصری مقدس و ایزدی می‌دانستند. معنای نمادین آب را می‌توان در سه مضمون اصلی چشمه حیات، وسیله ترکیه و مرکز حیات دوباره خلاصه کرد. آب عنصر نخستین است که همه چیز از آن آفریده شده و بنابراین یک نماد باستانی برای باروری به شمار می‌رود. آب منشأ همه مخلوقات و نماد مادر کبیر و در واقع، مایع شده نور است. ما اغلب از نور معرفت مثال می‌زنیم. در این صورت است که آب ویژگی حکمت نور را به ارث می‌برد. برای همین کسانی که به نور معرفت یا حکمت دست یافته‌اند به نحوی تصور می‌شوند که از روی آب رد می‌شوند. آب سمبل تطهیر است. در بیشتر

فرصت از روی اسب خود را به رودخانه می‌اندازد و غرق می‌شود».

- ادامه رویارویی عقل و عشق که در مرحله اول ظاهراً عقل برنده می‌شود و سارای ازدواج اجباری با بیگ را می‌پذیرد، ولی در نهایت با به انداختن سارا توسط خودش، عشق برنده میدان می‌شود (پیروزی نهایی عشق بر عقل): «در نزدیکی قصر خان در حاشیه رودخانه و در جایی عمیق با استفاده از فرصت از روی اسب خود را به رودخانه می‌اندازد و غرق می‌شود. خان و سوارانش هیچ کاری نمی‌توانند بکنند و حتی دستشان به جنازه سارای هم نمی‌رسد».

__ آب رودخانه سمبل پاکی و پاک‌کنندگی است و خود رودخانه به دلیل جاری بودن و اتصال به دریا، سمبل جاودانگی و اتصال به بی-نهایت است: «در نزدیکی قصر خان در حاشیه رودخانه و در جایی عمیق با استفاده از فرصت از روی اسب خود را به رودخانه می‌اندازد و غرق می‌شود. خان و سوارانش هیچ کاری نمی‌توانند بکنند و حتی دستشان به جنازه سارای هم نمی‌رسد. بعد از این واقعه، سلطان کیشی که از ماجرا خبردار می‌شود به ساحل رودخانه آریا چایی می‌آید و تصنیف‌های حزن‌انگیزی را می‌خواند که تا به امروز به عنوان ترانه توسط خوانندگان، خوانده می‌شود».

- در همه تصنیف‌ها و ترانه‌هایی که در اندوه از دست دادن سارای سروده شده است، سیل رودخانه و آب مورد خطاب است و این

در داستان سارای همانند وفاداری مرد به خانواده و همسر، پایبندی به عهد و پیمان، مقاومت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی و ظلم و ستم، حمایت از مظلوم، تکیه بر نقش آب در زندگی مادی و معنوی انسان، گذشتن از جان خود برای رسیدن و جز اینها شناسایی شده است. تأمل در عناصری همانند وفاداری، شهامت، پاکدامنی و آزادگی، قهرمان آنکه در پایان داستان با سپردن جسم خویش به آرپاچای، خود را جاودانه نمود، مبین فرهنگ و روحيات مردم منطقه آذربایجان است.

منابع

- آلن، گراهام (۱۳۹۲). *رولان بارت*. ترجمه پیام یزدجو. چاپ دوم. تهران: مرکز نشر.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۰). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اباذری، یوسف (۱۳۷۷). «رولان بارت، اسطوره و مطالعات فرهنگی». *فصلنامه ارغنون*. انتشار در پورتال پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۸، صص ۱۵۷-۱۳۷.
- استریناتی، دومینیک (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه*. ترجمه ثریا پاک‌نظر. تهران: گام نو.
- الیاده، میرچا (۱۳۶۷). *آیین‌ها و نمادهای آشناسازی*. ترجمه نصراله زنگویی. تهران: آگه.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶). *دانشنامه زبان فارسی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

ادیان به خصوص دین اسلام، طهارت با آب انجام می‌شود. از آنجا که طهارت بازگشت به پاکی است، آب نماد نوزایی هم به شمار می‌رود.

آب برای سارای نقطه رجعتی به سمت کودکی و سمبل عشق او به مادرش است. از دیدگاه باشلار (فیزیکدان، شاعر، فیلسوف و معرفت‌شناس قرن بیستم میلادی اهل فرانسه)، عنصر آب عنصری زنانه است که حالات روحی و احساسات را می‌نمایاند. «آب» نسبت به آتش، عنصری است زنانه‌تر و یکپارچه‌تر. عنصری است ثابت‌تر که با قدرتهای پنهانی انسانی، قدرت‌های ساده و ساده‌کننده را به تصویر می‌کشد. (باشلار، ۱۹۴۲: ۷)

بحث و نتیجه‌گیری

اسطوره‌ها جزء اصلی فرهنگ بشری هستند. از نظر بارت، اساطیر به وفور در زندگی روزمره ما حضور دارند؛ هر چند اغلب، دانش ما به آنها، دانشی ناخودآگاه است. به عبارت دیگر، فرهنگ عامه بر پایه داستان‌های اسطوره‌ای و تقابل‌های موجود در آنها استوار شده است. با بررسی و تحلیل اسطوره می‌توان به اندیشه‌های نهفته در آن و شالوده فرهنگ یعنی باورها، ارزش‌ها و روحيات هر قوم دست یافت. وجود برخی عناصر نشانه‌شناختی در لایه‌های زیرین داستان سارای موجب گردیده است که این داستان به یکی از اسطوره‌های مردم آذربایجان تبدیل شود. در این تحقیق، برخی از عناصر اسطوره‌ای نهفته

- بارت، رولان (۱۳۸۰). «اسطوره در زمانه حاضر». ترجمه یوسف اباذری. *ارغنون*، شماره ۱۸. _____ (۱۳۹۲). *اسطوره، امروز*. ترجمه شیرین دخت دقیقیان. چاپ ششم. تهران: نشر مرکز.
- باستید، روژه (۱۳۷۰). *دانش اساطیر*. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- برن، لوسیلا و همکاران (۱۳۸۷). *جهان اسطوره‌ها*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۸). *پژوهشی در اساطیر ایران*. چاپ سوم. تهران: نشر آگه.
- پیگوت، ژولیت (۱۳۷۳). *اساطیر ژاپن*. ترجمه جلال فرخی. تهران: گلشن.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. چاپ سوم. تهران: انتشارات سخن.
- داد، سیما (۱۳۷۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: نشر مروارید.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۲). *نشانه‌شناسی کاربردی*. چاپ دوم. تهران: قصه.
- سروری زرگر، محمد (۱۳۹۰). «نشانه‌شناسی بازنمایی خانواده در آگهی‌های بازرگانی تلویزیون»، دوره هجدهم، شماره ۶۷، صص ۳۳-۶۲.
- سوسور، فردیناند (۱۳۸۷). *دوره زبان‌شناسی عمومی*. ترجمه کوروش صفوی تهران: انتشارات هرمس.
- فیسک، جان (۱۳۸۶). *درآمدی بر مطالعات ارتباطی*. ترجمه مهدی غبرایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- کاسیرر، ارنست (۱۳۶۲). *افسانه دولت*. ترجمه نجف درینا بندری. تهران: خوارزمی.
- کالر، جانانان (۱۳۸۸). *در جست‌وجوی نشانه‌ها، نشانه‌شناسی، ادبیات و واسازی*. ترجمه لیلا صادقی، تینا امرالهی. تهران: نشر علم.
- کریستی، آنتونی (۱۳۸۴). *اساطیر چین*. ترجمه جلال فرخی. تهران: اساطیر.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۶). *رویا، حماسه، اسطوره*. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- مالمیر، محمد؛ نصرتی، روح‌الله (۱۳۹۲). «تحلیل نشانه‌شناختی الگوهای مصرف در آگهی‌های بازرگانی تلویزیون». *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره سوم، شماره ۲، صص ۷۷-۵۸.
- مهربانی‌فرد، حسین؛ بشیر، حسین (۱۳۹۴). «تبلیغات تجاری و اقناع؛ تحلیل نشانه‌شناسی تبلیغات تجاری شرکت ال‌جی». *مدیریت رسانه*، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۶۶-۵۱.
- هال، جیمز (۱۳۹۰). *فرهنگ‌نگاری نمادها در غرب و شرق*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- واحد دوست، مهوش (۱۳۸۱). *رویکردهای علمی به اسطوره‌شناسی*. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.
- واحدی، الیاس (۱۳۸۲). *برآورد استراتژیک آذربایجان* (جلد اول سرزمینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی). تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- Adam, A. (1825). *Roman Antiquities: An account of the manners and customs of the Romans*, London: Longman.
- Dallapiccola, A. L. (2002). *Dictionary of Hindu Lore and Legend*. London: Thames and Hudson.
- Eliade, Mircea, *Myth and Reality*, Willard R. Trask (1963). *Treans*. New York: Harper and Row
- pabblishers.
- Green, M. (1989). *The natural world*. London: Routledge.
- Patva, V. (1884, 2008). *The Mahabharata of KRISHNA - Dwaypayana Vyasa*. Book 3. translated by: Kisari Mohan Ganguli. Calvutta: Bharata Press.
- Naddair, K. (1987). *Keltik folk and Faeries tales*. London: Century.

Analysis of Sarani's Story from Barthes's Semiotics Theory

Ali Karimi Firouzjaei* / Elham Akbari **

Receipt:

2017/July27

Acceptance:

2017/Oct/21

Abstract

Sarani story is one of the famous legends of Azerbaijan, in which its protagonist, based on the power of love, followed a courageous thought as made him one of the most famous myths of Azerbaijan. Mythology is part of the broad knowledge of semiotics, which seeks to find an underlying thought in mythology and the foundation of culture refers to the beliefs, values and morals of every nation. The present study, using Barthes's semiotic theory (2013), has studied the myth of Sarani and gained some results. According to the findings of the study, contemplating the hidden/underlying mythological elements in the basic layers of this story, such as the loyalty, courage, virtue, and the freedom of its protagonist which immortalized his body to Arpachai at the end of the story, is the secret of Sarah's myth survival and reflects the culture and morals of the people of this region. It shows how some certain beliefs in the story are reinforced and will be manifested as the transcendental ones and how some of certain beliefs are weakened.

Keywords: Semiotics, Myth, Barthes, Sarani's Story, Culture

* Associate Professor, Linguistics, Payam-e-Noor University (Corresponding Author).
Email: alikarimif@yahoo.com

** Ph.D. Student, General Linguistics, Islamic Azad University, Tehran North Branch.